

## بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۱۳ شهر اصفهان)

ابراهیم انصاری<sup>۱</sup>، حمید تاج‌الدین<sup>۲</sup>

### چکیده

مشارکت و عدم مشارکت مردم می‌تواند برنامه‌ریزی‌های یک شهر یا منطقه را تحت تأثیر قرار داده، روند برنامه‌ریزی را سرعت بخشیده یا کند نماید؛ از این رو بررسی موانع و مشکلات مشارکت مردم در یک منطقه یا شهر به روشن شدن آن کمک خواهد کرد. به عبارت بهتر رویارویی با مشکلاتی که شهرهای مهم جهان با آن درگیر هستند، همانند انفجار جمعیت، رفت و آمد خودروها در خیابان‌ها و جاده‌ها، آلودگی هوا و محیط زیست، سیل مهاجران روستایی و ده‌ها مسأله‌ی دیگر، تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان و استعداد‌های موجود در شهروندان و شهرها در قالب برنامه‌های مشارکتی قابل دستیابی است.

هدف پژوهش حاضر سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان منطقه‌ی ۱۳ اصفهان در امور شهری است؛ لذا به همین منظور پس از طرح سؤال آغازین و ارائه‌ی هدف پژوهش براساس چهارچوب نظری، فرضیه‌های تحقیق شکل گرفت و برای آزمون روابط متغیرها فرضیه‌های تحقیقی شکل گرفت و برای آزمون روابط متغیرهای فرضیه‌های مطرح شده، حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۱۸۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در منطقه‌ی ۱۳ شهرداری اصفهان به صورت خوشه‌ای و چند مرحله‌ای انتخاب شدند و با استفاده از روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه، مورد بررسی قرار گرفتند و داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار spss و

E.ansari24@yahoo.com

<sup>۱</sup> - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

Tajedinh@gmail.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

روش‌های آماری مناسب (R پیرسون و تحلیل آماری *anova oneway*) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده بیانگر رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای مستقل (اعتماد نهادی، رضایت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مدت زمان سکونت) با مشارکت است. در حالی که برطبق یافته‌های پژوهش بین متغیرهای مستقل و پایگاه اجتماعی<sup>۱</sup> اقتصادی و نوع مالکیت و با مشارکت تفاوت معناداری وجود ندارد. الگوی نهایی نشان داد که بیشتر از همه، متغیر مستقل اعتماد نهادی در مشارکت اجتماعی مؤثر است.

**واژگان کلیدی:** مشارکت، اعتماد نهادین، رضایت اجتماعی، امنیت اجتماعی

### مقدمه

در دهه‌های اخیر مفهوم مشارکت همواره در عمق فرآیندهای توسعه جای گرفته و جنبش‌های مردمی، تأثیر عوامل انسانی ناشی از مشارکت را در موفقیت پروژه‌ها ثابت نموده‌اند. حضور مردم در فرآیند توسعه در پی تلاش‌های یونسکو در نوزدهمین اجلاس عمومی خود در سال ۱۹۲۶ در ناپروبی رهیافت " توسعه‌ی درون‌زای انسان<sup>۲</sup> محور" را مطرح ساخت و لزوم اجرای آن را در برنامه‌ی توسعه اعلام کرد. در این رهیافت لزوم مشارکت، بیش از پیش مورد تأیید قرار گرفت و به محور اساسی توسعه در جهان تبدیل گردید (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

کورت لوین محقق آلمانی معتقد است که مشارکت از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی و نوآوری و نوسازی می‌کاهد و بر سازگاری آنان می‌افزاید. در فضای مشارکتی، تمارضات و ستیزه‌ها جای خود را به همکاری و تعاون می‌دهد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳).

تجربه‌ی کشورهای مختلف جهان در طرح‌های توسعه شهری نشان می‌دهد موفقیت طرح‌ها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج بوده و در گرو مشارکت مردم و نهادهای ملی است و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره‌ی عمومی می‌توان به موفقیت‌های مطلوب دست یافت. در جوامع پیشرفته مشارکت مردم در برنامه‌های شهری نهادینه شده و حقوق، تکالیف مدیران شهری و شهروندان مشخص شده است (بشیریه، ۱۳۷۴) و مشارکت از مرحله‌ی طراحی برنامه‌ها و الگوهای علمی<sup>۳</sup> اجرایی تا ارائه تصویب، اجرا و نظارت ادامه دارد. الگوهای

برنامه‌ریزی مشارکتی، اعتماد شهروندان به نتایج به دست آمده را افزایش می‌دهد، میزان دقت، حساسیت و ابعاد آن را روشن می‌سازد و مشارکت واقعی و هدفمند آنان را تضمین می‌کند. در این فرآیند، مشارکت نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود بلکه به ارتقای کیفیت زندگی، آرامش و آسایش شهروندان منجر می‌شود؛ اما در ایران، آنجا که از مشارکت شهروندان سخنی رانده می‌شود، مشارکت توده‌ای و فاقد نظم و انسجام است و فقدان طبقه‌بندی نیازها و خواست‌ها در این زمینه نمود دارد و مشارکت امری سمبلیک، شعاری است. این نوع مشارکت نه تنها راهگشا نبوده بلکه مسائل و مشکلات متعددی به دنبال داشته است (موسایی، ۱۳۸۹: ۱۲۵)؛ بنابراین مشکلات ناشی از عدم مشارکت و مشارکت محدود در فعالیتهای اجتماعی شهری در جامعه‌ی ایران که در دوران گذار از جامعه‌ی سنتی به مدرن است، به عنوان یک مسأله‌ی اساسی در مدیریت شهری است و تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان‌ها و استعدادهای موجود شهروندان در قالب برنامه‌ی مشارکتی، قابل دستیابی است؛ از این رو، منطقه‌ی ۱۳ اصفهان انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش سعی بر این است که به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که کدام عوامل بر مشارکت شهروندان در امور شهری منطقه‌ی ۱۳ شهرداری اصفهان تأثیرگذارند؟ این تحقیق در پی شناخت عواملی است که می‌توانند بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مؤثر باشند. در راه رسیدن به این هدف اصلی برخی از اهداف جزئی‌تر به شرح زیر هم مورد نظر بوده است:

۱. بررسی نحوه‌ی مشارکت‌های مردمی در امور شهری
۲. بررسی جایگاه شهروندان در فعالیتهای شهرداری
۳. ارزیابی میزان ارتباط مردم با شهرداری و علل اصلی این ارتباط
۴. زمینه‌سازی و فرهنگی و اجتماعی برای آگاه‌سازی بین شهرداری و شهروندان
۵. تعیین میزان تعامل شهروندان اطلاع یافتن از فعالیتهای مختلف شهرداری

تاریخچه‌ی تحقیق درباره‌ی مشارکت اجتماعی به قبل از ۱۸۹۵ میلادی بر می‌گردد؛ از زمانی که هندرسون مقاله‌ای را با عنوان " مکان و کارکرد انجمن‌های داوطلبانه" در نشریه‌ی امریکایی جامعه‌شناسی به چاپ رساند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۹). از زمان انتشار مقاله‌ی هندرسون تا ۱۹۵۰ کمتر از ۲۰ درصد از مطالعات در نشریات جامعه‌شناختی انتشار یافته بود و در دو دهه‌ی ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ حجم مقالات انتشار یافته دوبرابر گشت.

- دانیل لرنر در مطالعه‌ای در سال ۱۹۵۲ که در مورد ۶ کشور خاورمیانه (مصر، لبنان، سوریه، اردن، ترکیه و ایران) انجام داد، بین شهرنشینی، سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیکی یافت. به عقیده‌ی لرنر، جامعه‌ی جدید مشارکتی است. فرایند نوسازی حرکت از جامعه‌ی سنتی به طرف جامعه‌ی مشارکت‌جو است، که در این مهم نقش رسانه‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

- جامعه‌شناس آمریکایی مارتین لیپست با پژوهش در کشورهای مختلف (۱۹۶۰) به ویژگی‌های اجتماعی افرادی که مشارکت بیشتری دارند، پرداخته است؛ این ویژگی‌ها عبارتند از منزلت اجتماعی بالا، متعهد بودن، درآمد بالا، تحصیلات عالی و غیره؛ به عبارتی، لیپست در مطالعه‌ی خود از حوزه‌ی مشارکت و عوامل مرتبط با آن درباره‌ی کشورهای غربی، دریافت که مردان بیشتر از زنان، تحصیل کرده‌ها بیشتر از بی‌سوادان، متأهلان بیشتر از مجردان و ساکنان قدیمی محله بیش از تازه واردان، مشارکت داشته‌اند (به نقل از توسلی، ۱۳۸۲).

- اینگلهارت (۱۳۷۳) که نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه کرده است، افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم و مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تأکید کمتری بر نیازهای آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر تأکید بیشتر می‌ورزد، مورد تبیین قرار داده است. به نظر وی متغیرهای تحصیلات رسمی، موفقیت اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات مهارت‌های ارتباطی تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های

- جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر گذاشته‌اند.
- در تحقیقی که توسط عباس زاده با عنوان "رابطه‌ی ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه‌ی: شهر اصفهان)" در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته و بین ابعاد غیر مادی رفاه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه‌ی معنادار خطی حاصل آمده است که هر قدر اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی شهروندی در حد بالا و احساس محرومیت آنان در حد پایین باشد، به همان اندازه مشارکت آنان در امور شهری بیشتر خواهد بود (عباس‌زاده، ۱۳۸۷).
  - در پژوهشی که توسط علیپور در سال ۱۳۸۸ با موضوع بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران و به شیوه‌ی پیمایشی انجام گرفته است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان یافته، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. و از میان متغیرهای مورد بررسی، اعتماد تأمین یافته و پایگاه اقتصادی منهای اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی هستند (علیپور، ۱۳۸۸).
  - صداقت با پژوهشی با هدف تعیین میزان مشارکت شهروندان مراغه‌ای در امور شهری و شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (۱۳۸۸) به این نتیجه دست یافت که رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای مستقل، آگاهی‌های اجتماعی، انجام اجتماعی، امنیت اجتماعی، میل به پیشرفت، سن، جنسیت، درآمد و شغل و مشارکت وجود دارد. هرچه میل به پیشرفت در فرد بیشتر باشد، میزان مشارکت وی بیشتر است. علاوه بر این متغیرهای آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی و امنیت اجتماعی به ترتیب دارای تأثیر مثبتی در مشارکت هستند.

با توجه به اهمیت و نقش راهبردی نظریه در فهم و درک ابعاد، موضوع پژوهش و استخراج فرضیه‌هایی مبتنی بر نظریه و همچنین موضوع مشارکت، در اینجا به نظریه‌های مرتبط پرداخته می‌شود.

### نظریه‌ی پاسخگو

این نظریه که در دهه‌ی ۱۹۸۰ توسط شین مک کوئل<sup>۳</sup> مطرح شد، در فرآیند برنامه‌ریزی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری در برابر مردم پاسخگو و مسؤول بوده و مدلی مبتنی بر "حق" تکلیف<sup>۴</sup> در ارتباط با برنامه‌ریزان و مدیران از یک طرف و مردم و شهروندان از طرف دیگر است. در چنین فرایندی که کاملاً مبتنی بر نظام‌های دموکراتیک و مردم-سالارانه می‌باشد، مردم در مفهوم شهروند دارای حقوق شهروندی بوده و هم دارای تکلیف در برابر جامعه و حاکمیت و تصمیم‌گیران در مفهوم مدیران شهری و هم دارای حقوق خاص و هم دارای مسؤولیت پاسخگویی در برابر مردم هستند. این نظام معروف به "مدیر" شهروند<sup>۵</sup> بوده و در مقابل نظام "ارباب - رعیتی" که در آن شهروندان فقط مکلف به پذیرش بوده و فاقد حق هستند قرار می‌گیرد. (به نقل از علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

رابرتز و اسکاتیز پاسخگویی را متضمن دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده می‌داند. این تعریف بر این فرض استوار است که هر فرض، گروه و یا سازمان، دارای حقوقی خاصی است که براساس این حقوق از فرد دیگری سؤال می‌کنند و از او برای کارهایی که انجام داده است توضیح می‌خواهند (منرو و مورتیس، ۱۹۹۶: ۲۳۰).

لازمه‌ی پاسخگویی، افزایش شفافیت و بهبود گزارش‌دهی است. منظور از شفافیت امور، جریان آزاد اطلاعات و وجود وظایف واضح در سازمان‌های بخش عمومی است. این شفافیت از سویی موجب پاسخگویی این سازمانها و از سوی دیگر باعث پاسخ‌خواهی مردم و شهروندان می‌شود. چنانچه امور و وظایف، غیر شفاف باشند، افراد نمی‌توانند پاسخگو باشند؛ در واقع پاسخگویی با شفافیت و گزارش‌دهی پابرجا می‌ماند. پاسخگویی عمومی، به عنوان پاسخگو بودن حاکمیت به مردم در شرایطی که بهترین منافع همه‌ی

---

<sup>3</sup>- Shin Mc quel

شهروندان بر طبق رده‌های قانونی تأمین شود، توصیف می‌شود. مسئولیت و پاسخگویی به دو جنبه‌ی متفاوت یک فعالیت اشاره دارند: نمایندگی و سرپرستی مرجع قدرت. نظام پاسخگویی عمومی باید در جست‌وجوی عدالت، اعتماد و انعطاف در گزارش‌دهی باشد و مسئولیتی اولیه در مقابل جامعه و ثانوی در مقابل ذی‌نفعان داشته باشد. (انگلیش، ۲۰۰۳: ۲۴).

### نظریه‌ی فریزر و مازلو

براساس نظریه‌ی جیمز فریزر، وضعیت اقتصادی و مادی شهروندان می‌تواند انگیزه‌های اساسی آنها در کنش مشارکتی باشد: مردم تصمیم‌گیرنده‌هایی منطقی و عقلایی هستند؛ آنها نوع کنش خود را بسته به شرایط مختلف زندگی از جمله وضعیت اقتصادی و مادی بروز می‌دهند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۳) براساس این دیدگاه اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود؛ این نظریه و مشارکت بر اراده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواهش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، فرد نیز از نیروی انتخاب برخوردار است. (علیپور، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

مازلو معتقد است که تمام انسان‌ها دارای نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام، نیاز به خویش‌یابی و رضایت هستند که با انگیزه برای برآوردن آنها به فعالیت‌های مختلف اجتماعی دست می‌زنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که مردم از حیث اقتصادی، بهداشتی و تأمین مایحتاج اولیه‌ی زندگی در وضعیت مناسبی نباشند، نمی‌توان شاهد تحقق مشارکت فراگیر آنان در امور شهری بود. (به نقل از علیپور، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

### نظریه‌ی زتومپکا

زتومپکا دلایل توجه به مفهوم اعتماد در جامعه‌شناسی و فرهنگ را چنین بیان می‌کند:

- ۱- اعتماد بعد مهمی از فرهنگ مدنی است.
- ۲- اعتماد بعد مهمی از جامعه‌ی مدنی است به این معنا که اجتماع منسجم، متعهد و وفادار نسبت به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد عمودی در بین نهادهای مختلف نمی‌تواند برقرار باشد.
- ۳- اعتماد یکی از مؤلفه‌های مهم و حیاتی سرمایه‌ی اجتماعی است.
- ۴- اعتماد با ارزش‌های فرا مادی پیوند دارد؛ به گونه‌ای که کیفیت زندگی و بهزیستی روانی، پیوستگی مستحکمی با اعتماد تعمیم‌یافته دارد.
- ۵- اعتماد یکی از عناصر صلاحیت و کفایت مدنی است و پیش‌نیاز مشارکت سیاسی، اقدامات کارفرمایانه و آمادگی برای اخذ فناوری (زتومیکا، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۵). از نظر زتومیکا دست کم سه شکل از اعتماد را مشخص می‌کند: اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی.
- الف- اعتماد بین شخصی براساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می‌شود. اعتماد بین شخصی در ارتباط با تعامل و روابط بین اعضای خانواده، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه تجلی پیدا می‌کند.
- ب- اعتماد تعمیم‌یافته: داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی است. اعتماد تعمیم‌یافته مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی، محلی را در هم می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد.
- ج- اعتماد نهادی: بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها دارند دلالت دارد. و میزان آن برحسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره‌ی خود با آنها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود (علیپور، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

#### روش تحقیق:

روش تحقیق این مطالعه پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته است که رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده‌ی پیمایش است. جامعه‌ی آماری تحقیق همه‌ی شهروندان بالای ۱۸ سال منطقه‌ی ۱۳ شهر اصفهان را در بر می‌گرفت که تعداد آنها طبق



آمار سال ۱۳۹۰ برابر ۱۰۸۲۶۳ نفر بود (آمارنامه‌ی شهر اصفهان، ۱۳۹۱: ۶۲) که براساس فرمول کوکران ۱۷۲ نفر از بین آنها با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی اتفاقی انتخاب شدند. مجموعاً ۱۸۰ پرسشنامه (باتوجه به ۳۰ پرسشنامه مطالعه‌ی مقدماتی) برای تجزیه و تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفت.

جدول شماره ۱- محلات منطقه‌ی ۱۳

تعداد نمونه	جمعیت	محلات
۷۲	۳۸۹۹۵	دستگرد ° قائمیه
۲۷	۱۸۱۷۸	ولی عصر
۲۳	۱۵۱۲۶	امیریه
۲۲	۱۳۳۷۸	گلزار - شفق
۳۶	۲۲۵۸۶	دیگر محلات

#### نحوه‌ی سنجش اعتبار و پایایی مربوط به گویه‌ها

با توجه به اهمیت حصول اطمینان از پایایی و روایی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن ۰/۷۲ بوده که نشان از پایداری درونی بین گویه‌ها است.

#### میزان آلفای کرونباخ گویه‌ها:

جدول شماره ۲-

میزان آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	مفهوم
۰/۷۲	۱۲	مشارکت اجتماعی
۰/۷۱	۶	اعتماد نهادی
۰/۷۰	۶	رضایتمندی
۰/۶۱	۶	امنیت

#### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین میزان اعتماد (نهاد) شهروندان به شهرداری و مشارکت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین میزان رضایتمندی اجتماعی شهروندان از فعالیت‌های شهرداری و

مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۳- بین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه‌ای وجود دارد.

۴- بین پایگاه اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

۵- بین وضعیت سکونت شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

۶- بین مدت سکونت شهروندان و میزان مشارکت آنان تفاوت معناداری وجود دارد.

#### یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی برخی از متغیرهای زمینه‌ای در قالب جدول شماره‌ی ۳ آورده شده‌اند که توزیع جمعیت را برحسب جنس، مقطع تحصیلی، وضع ملکی و مدت سکونت نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۳- توزیع جمعیت برحسب جنس، تحصیلات، مالکیت و مدت سکونت

متغیر		فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۷۲	۴۰
	مرد	۱۰۸	۶۰
تحصیلات	کم سواد	۱۸	۱۰
	زیر دیپلم	۲۰	۱۱
	دیپلم و فوق دیپلم	۸۱	۴۵
	کارشناسی	۴۵	۲۵
	بالتر از کارشناسی	۱۶	۹
تصرف ملکی (مالکیت)	اجاره	۷۴	۴۱
	سازمانی	۵	۳
	سایر	۲	۱
مدت سکونت	کمتر از ۵ سال	۶۸	۳۸

۱۶	۲۹	۵ تا ۱۰ سال
۲۰	۳۶	۱۰ تا ۲۰ سال
۸	۱۴	۲۰ تا ۳۰ سال

از مجموع ۱۸۰ نفر حجم نمونه، ۱۰۸ نفر (معادل ۶۰ درصد) مرد و ۷۳ نفر (معادل ۴۰ درصد) زن بوده‌اند. برحسب سطح مقطع تحصیلی پاسخگویانی که در مقطع دیپلم مشغول به تحصیل هستند یعنی ۸۱ نفر (معادل ۴۵ درصد) از بیشترین فراوانی برخوردارند، پس از آن دانشجویان مقطع کارشناسی با فراوانی ۴۵ درصد (معادل ۲۵ درصد)، مقطع زیر دیپلم با فراوانی ۲۰ درصد (معادل ۱۱ درصد)، کم سواد ۱۸ نفر (معادل ۱۰ درصد) و در آخر بالاتر از کارشناسی ۱۶ نفر (معادل ۹ درصد) قرار گرفته‌اند. برحسب مالکیت شخصی ۹۹ نفر (معادل ۵۵ درصد) از بیشترین فراوانی برخوردار هستند، بعد از آن اجاره ۷۴ نفر (معادل ۴۱ درصد)، سازمانی ۵ نفر (معادل ۳ درصد) و سایر تنها ۲ نفر (۱ درصد) بوده‌اند. برحسب مدت سکونت، کمتر از ۵ سال ۶۸ نفر (۳۸ درصد)، ۵-۱۰ سال ۲۹ نفر (۱۶ درصد)، ۱۰-۲۰ سال ۳۶ نفر (۲۰ درصد) تا ۲۰ تا ۳۰ سال ۳۳ نفر (۱۸ درصد) و بیشتر از ۳۰ سال ۱۴ نفر (۸ درصد) از جامعه‌ی نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

فرضیه‌های (۱) و (۲) و (۳) تحقیق بیان می‌داشتند که بین اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و امنیت اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، به عنوان متغیر وابسته، رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه این متغیرها در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، نتایج ضریب همبستگی آنها در جدول شماره (۴) آورده شده است.

جدول شماره ۴- رابطه‌ی بین میزان اعتماد (نهادی)، رضایتمندی اجتماعی، امنیت اجتماعی

شهروندان و مشارکت اجتماعی آنان

مشارکت اجتماعی		همبستگی پیرسون
۰/۴۱۶	ضریب همبستگی پیرسون	میزان اعتمادی (نهادی)

۰/۰۰۰	Sig سطح معناداری	رضایتمندی اجتماعی شهروندان از فعالیت‌های شهرداری
۱۸۰	فراوانی	
۰/۳۹۷	ضریب همبستگی پیرسون	میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان
۰/۰۰۰	Sig سطح معناداری	
۱۸۰	فراوانی	
۰/۳۳	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	Sig سطح معناداری	
۱۸۰	فراوانی	

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که رابطه هر سه متغیر مستقل با متغیر وابسته معنادار است و ضریب همبستگی هر سه متغیر نیز نسبتاً بالا می‌باشد.

**فرضیه‌ی شماره ۴:** بین پایگاه اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود دارد. متغیر پایگاه اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی پاسخگویان در سطح ترتیبی طرح شده، از طرف دیگر متغیر وابسته میزان مشارکت اجتماعی برای شهروندان در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است؛ بنابراین از تکنیک آماری تحلیل واریانس برای آزمون این فرضیه استفاده شده است.

جدول شماره ۵- آزمون معناداری تفاوت پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی و مشارکت اجتماعی

SIG	DF	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر
۰/۹۱۹	۲	۰/۰۸۴	۷/۰۳۰۵	۳۵	۱۶	پایین
			۵/۰۴۱۰	۳۵/۷۷	۱۳۵	متوسط
			۶/۳۶۶۵	۳۵/۹۲	۲۵	بالا

جدول شماره ۵ نتایج آزمون معناداری تفاوت پایگاه‌های اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی مختلف از لحاظ مشارکت اجتماعی شهروندان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که پاسخگویانی که از پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری برخوردارند با میانگین ۳۵/۹۲، از لحاظ مشارکت اجتماعی در سطح بالاتری هستند؛ پس از آنها افراد پایگاه اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی متوسط با میانگین ۳۵/۷۷ قرار دارند؛ پاسخگویان با پایگاه

اجتماعی اقتصادی پایین نیز با میانگین ۳۵ در رتبه‌ی سوم قرار دارند. با این حال، براساس آزمون F با مقدار ۰/۰۸۴ و سطح اطمینان ۹۵ درصد (SID=0/99)، فرضیه‌ی فوق معنادار نیست؛ بنابراین بین پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف از لحاظ مشارکت اجتماعی شهروندان تفاوت معناداری وجود ندارد.

**فرضیه‌ی شماره‌ی ۵:** بین وضعیت سکونت شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود دارد. متغیر وضعیت سکونت پاسخگویان در سطح ترتیبی و متغیر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است؛ بنابراین مانند فرضیه قبلی از تکنیک آماری تحلیل واریانس استفاده شده است.

جدول شماره‌ی ۶- آزمون معناداری تفاوت مشارکت اجتماعی شهروندان در بین انواع وضعیت

سکونت آنان

SIG	DF	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر
۰/۱۳۹	۳	۱/۸۷۸	۵/۶۵۶	۳۶/۹۲	۹۶	ملکی
			۴/۸۱۳	۳۴/۳۱۷	۷۴	اجاری
			۴/۹۳۲	۳۵/۳۳۳	۵	سازمانی
			۰	۳۴	۲	سایر

طبق جدول شماره‌ی ۶ میانگین نمرات نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که پاسخگویان بهره‌مند از مالکیت شخصی با میانگین ۳۶/۹۲ از لحاظ مشارکت اجتماعی در سطح بالاتری هستند و پس از آنها افراد ساکن در منزل سازمانی با میانگین ۳۵/۳۳ قرار دارند. پاسخگویان ساکن در خانه‌ی اجاری نیز با میانگین ۳۴/۳۱۷ در رتبه‌ی سوم قرار دارند؛ در رتبه آخر (وضعیت سکونت سایر) تنها ۲ نفر قرار دارند؛ با این حال براساس آزمون F با مقدار ۱/۸۷۸ و سطح اطمینان ۹۵٪ (SIG=0/139) فرضیه‌ی فوق معنادار نیست. فرضیه‌ی ۶: بین مدت سکونت پاسخگویان و میزان مشارکت اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود دارد. متغیر وابسته‌ی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در متغیر مستقل

مدت سکونت پاسخگویان در سطح ترتیبی طرح شده و برای آزمودن این فرضیه سطح فاصله‌ای سنجیده و از تکنیک آماری تحلیل واریانس استفاده شده است.

جدول شماره ۷- آزمون معناداری تفاوت مشارکت اجتماعی در بین سطوح مختلف مدت زمان

#### سکونت

SIG	DF	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر
۰/۰۰۰	۴	۱/۶۲۷	۴/۸۴۶	۳۵/۰۲۶	۶۸	کمتر از ۵ سال
			۵/۸۸۷	۳۶/۵	۲۹	بین ۵ تا ۱۰ سال
			۵/۵۷۵	۳۴/۱۵	۳۶	بین ۱۰ تا ۲۰ سال
			۵/۲۶۱	۳۷/۴	۳۳	بین ۲۰ تا ۳۰ سال
			۵/۵۲۹	۳۸/۷۱۴	۱۴	بیش از ۳۰ سال

طبق جدول شماره ۷ میانگین نمرات نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که پاسخگویانی که مدت زمان سکونت آنها بیش از ۳۰ سال است با میانگین ۳۸/۷۱۴، از بیشترین مشارکت اجتماعی برخوردار هستند و پس از آنها افرادی که مدت زمان سکونت آنها بین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشد، با میانگین ۳۷/۱۴ قرار دارند. رتبه سوم را افرادی که بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه‌ی سکونت دارند، به خود اختصاص داده‌اند. رتبه‌ی چهارم نیز متعلق به افراد با سابقه‌ی سکونت کمتر از ۵ سال است و در رتبه‌ی آخر نیز افرادی قرار دارند که بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه‌ی سکونت دارند؛ براساس آزمون F با مقدار ۱/۶۲۷ و سطح اطمینان ۹۵ درصد (SIG=0/000)، فرضیه‌ی فوق معنادار است.

#### نتیجه‌گیری:

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که اگرچه شهروندان در بعد ذهنی تمایل به مشارکت دارند ولی به دلیل نقاط ضعفی که در نظام مدیریت شهری وجود دارد، در بعد عملی این مشارکت کمتر صورت می‌پذیرد.

با توجه به اهمیت مبانی نظری در ارتباط متقابل بین این مبانی نظری با یافته‌های تحقیق، فرضیه‌ی اعتماد نهادی با توجه به نظریه‌ی اعتماد و نظریه‌ی پاسخگو مورد آزمون قرار

گرفت و همان‌گونه که در تحقیقات پیشین این فرضیه تأیید شده بود در این پژوهش نیز این فرضیه با ضریب همبستگی ۰/۴۱۶ مورد تأیید قرار گرفت. و این بدین معناست که عدم شفافیت و پاسخگویی صریح، عدم اطلاع رسانی و استفاده از روابط به جای ضوابط از سوی مسئولان شهرداری باعث کاهش جو اطمینان در میان مردم می‌گردد که در نتیجه کاهش میزان مشارکت شهروندان را در پی خواهد داشت. در فرضیه‌ی دوم هم که به بررسی میزان رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری پرداختیم، با ضریب همبستگی ۰/۳۹۷ اثبات شد که همان‌گونه که در تحقیقات پیشین تأیید شده بود، رابطه‌ی معناداری بین رضایتمندی اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد.

باتوجه به اینکه هم امنیت و هم مشارکت جزء حقوق شهروندی است، بالا یا پایین بودن هر یک از آنها در متغیر دیگری تأثیرگذار است و یافته‌های تحقیق هم نشان از رابطه‌ی معناداری بین امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی دارد. افزایش امنیت اجتماعی در جامعه می‌تواند روند مشارکت افراد را در امور شهری بهبود بخشد.

در بررسی رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی شهروندان با مشارکت، نتایج به دست آمده از این تحقیق بیانگر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین پایگاه اجتماعی<sup>۰</sup> اقتصادی و مشارکت است؛ یعنی مشارکت افراد براساس پایگاه‌های مختلف تفاوت معنادار ندارد و این همسو با نتایج یکی از تحقیقات پیشین بود. درباره‌ی نوع مسکن و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان مشخص شد که نوع مالکیت در انگیزه‌ی مشارکت خانوارها بی‌تأثیر است بدین معنی، که خانوارهایی که دارای مالکیت هستند و آنهایی که مالکیت ندارند، به میزان یکسان برای مشارکت اجتماعی انگیزه دارند. این فرضیه هم براساس یافته‌های یکی از تحقیقات پیشین رسم شده است. بررسی متغیر مدت زمان سکونت هم نشان می‌دهد که بین متغیر مورد نظر و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه شهروندان بیشتر در یک محل سکونت داشته باشند، مشارکت آنها بیشتر است.

مشارکت مردم و بهره‌گیری از توان بالقوه‌ای که در تک تک افراد برای اداره‌ی امور شهر و جامعه وجود دارد قطعاً در روند توسعه‌ی شهری مؤثر است. گسترش شهرنشینی در

واقع توسعه‌ی بیش از حد شهرنشینی و به دنبال آن مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش توجه به راهبردها و چاره‌های سودمند را ضروری ساخته است. مدیریت شهری می‌تواند بستری را فراهم کند که هر شهروندی مطابق با توان و امکانات خود به بهبود کیفیت امور شهری کمک کند.





## منابع:

- آمارنامه شهر اصفهان. (۱۳۹۱). فصل دوم: جمعیت، شهرداری اصفهان، معاونت برنامه ریزی، پژوهش و فن‌آوری اطلاعات.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته و نئی، ترجمه مریم وتو، تهران: نشر کویر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نگاه معاصر.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی خوراسگانی، رسول و دیگران. (۱۳۸۷). رابطه‌ی ابعاد عادی و غیر عادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه‌ی علمی، پژوهشنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۳۲.
- رجبی، آزیتا. (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه‌ی شهری، فصلنامه‌ی جغرافیایی آمایش محیط، شماره‌ی ۱۲.
- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی سازمان‌های دولتی، تهران: انتشارات سمت.
- صداقت، کامران. (۱۳۸۸). بررسی نقش عوامل اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری، مجله‌ی جامعه‌شناسی، شماره‌ی دوم.
- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی شهر اصفهان)، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، گروه علوم اجتماعی.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- علیپور، پروین. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی

دهم، شماره‌ی ۲.

- زتومپکا پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- موسایی، میثم. (۱۳۸۹). بررسی (swot) مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۴۱.
- English, I, 2003, emasculating public Accountability in the name of competition, transformation of state audit Victoria, crucial perspectives on accounting, no.14
- <http://www.cfsv.org/communitysurvey>, last accessed jun 2009.
- Lerner, Daniel (1952) the politics of social change in the middle East, Princeton: Princeton university press.
- Munro & mouritsem, 1996, accountability: power, ethics and technologies of managing, London, international Thomson business, no.8.

